

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان

۱۶ اکتوبر ۲۰۱۸

گزارش سومین کنگره سازمان انقلابی افغانستان

(۵)

وضعیت چپ افغانستان

در حالی که کشور ما مستعمره است و امپریالیست ها در همیاری با ارتجاع منطقه، خلق های تهیدست ما را سلاخی می کنند؛ چپ، متأسفانه در وضعیت ناگوار و مأیوس کننده ای قرار دارد. چپ افغانستان از پراکندگی، عدم پیوند ارگانیک با توده ها، تشکل گریزی، تشننت فکری، علنی گری، خرده کاری، محافظه کاری، لیبرالیزم و غیره متأثر است. در صورتی که چپ به طور بنیادی به حل این نقایص رسیدگی نکند، بسیج توده ها برای آغاز جنگ رهائی بخش متری علیه اشغالگران و ایادی آنان، کار بس دشوار خواهد بود. انقلابیون و کمونیست های متعهد به مارکسیزم - لنینیزم، اندیشه مائوتسه دون و وظیفه دارند چپ را از این وضعیت بیرون بکشند و با رعایت وحدت اصولی برای ایجاد حزب کمونیست انقلابی تلاش نمایند.

هر چند بررسی و تشریح کامل جنبش چپ افغانستان و سازمان هایی که از بقایای جریان شعله جاوید و سازمان جوانان متری شکل گرفته اند، در شماره اول «به پیش» ارگان تیوریک - سیاسی سازمان آمده است و در شماره چهارم «به پیش» نیز موضع ما در قبال سازمان هایی که در حال حاضر ظاهراً در داخل و خارج فعال هستند، درج گردیده است؛ در این جا تلاش می کنیم اجمالاً نگاهی به وضعیت این سازمان ها و نوعیت گرایش آنها بیندازیم:

۱. طیف «مائویست» ها

ما از مبارزات مائویست های واقعی، آنانی که در پرتو مارکسیزم - لنینیزم، اندیشه مائوتسه دون (و یا به باور آنان مائویزم) در کنار خلق خود می رزمند، قربانی می دهند، حماسه می آفرینند و از لاف و پتاق، حرافی و طمطراق و فرار از مردم بیزار و متنفر هستند، نه تنها حمایت می کنیم بلکه آنان را افتخار جنبش کمونیستی جهان می دانیم. ما به مبارزه رفقای مائویست خود در سراسر جهان می بالیم و آنان را جزئی از جنبش انقلابی کمونیستی می دانیم. اما «مائویست» های وطنی ما نه افتخار دارند و نه مبارزه می کنند، بلکه وظیفه ایشان فرار از توده ها، خارج نشینی، حرافی، دروغ گویی، اتهام زنی و حمله علیه رهبران شهید جنبش انقلابی کشور است.

طیف «مائویستی» که شامل «حزب» کمونیست (مائویست) افغانستان، «سازمان کارگران افغانستان»، «مائویست‌های افغانستان» و افرادی چون «پولاد» می‌شود، طیف ضد انقلابی، حراف، فراری، لجوج و اتهام‌زن است. عده‌ای از اینان انجوبازان ماهر فعلی و سابق بوده، عده‌ای هم پرچمی‌های تواب و عده‌ای فراری‌های بی‌مقدار هستند. مشخصه این طیف تاختن بر رهبران شهید جنبش انقلابی است. ما قبلاً در دوسند («حزب» کمونیست (مائویست) افغانستان، از ورشکستگی تیوریک تا فلاکت پراتیک» و «دون کیشوت‌های «مائویست»، بیماران روانی با لاطائلات «مائویستی») چهره ضد انقلابی اینان را افشاء کرده ایم و نیاز نمی‌بینیم بیش از این، این طیف را مورد ملاحظه قرار دهیم.

۲. طیف «سوسیالیزم کارگری»

جریان «سوسیالیزم کارگری» که عمدتاً از بقایای سازمان‌های چپ مائوتسه دون اندیشه شکل گرفته و مسئولین آن در گذشته سازمان‌های ماقبل خود را با اندیشه مائوتسه دون نقد می‌کردند، اینک تحت تأثیر افکار شبه تروتسکی قرار گرفته و حکمتیزم ایران را کاپی کرده اند، هیچ حرف تازه‌ای به گفتن ندارند، جز تکرار بافته‌های منصور حکمت اما با ادبیات ناهنجار.

طیف «سوسیالیزم کارگری» متشکل از «سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان»، «سازمان چپ رادیکال افغانستان» و «اتحاد فعالین سوسیالیست افغانستان» است. این طیف، اندیشه مائوتسه دون را نمی‌پذیرد، ستالین را کلاسیکر و آموزگار پرولتاریا ندانسته، ضد انقلابی و جنایتکار می‌خوانند. «سوسیالیزم کارگری» با فرمول‌های خیالی جامعه افغانستان را سرمایه‌داری تحلیل کرده، ضد میهن و میهن دوستی، استقلال و جنگ رهایی‌بخش و انقلاب دموکراتیک است. به باور این «سوسیالیزم»، تضاد عمده در کشور ما تضاد میان کار و سرمایه است و مرحله انقلاب را سوسیالیستی ارزیابی می‌کند، اما هیچ برنامه عملی برای راه اندازی این انقلاب ندارد. ما ضمن این که در مورد این طیف در «به پیش» شماره هفتم تحت نام «سوسیالیزم کارگری»، سوسیالیزم انقلابی یا ارتجاعی؟» نظرات خود را فورموله کرده ایم، قابل تذکر می‌دانیم که از میان سه تشکل مربوط به این طیف، دو تشکل جز چپ رادیکال، وقتاً فوقتاً مواضع خود را نشر می‌کنند؛ اما از «چپ رادیکال» جز یکی دو اعلامیه به زبان انگلیسی چیزی در میان دو کنگره (دوم و سوم) به دست نیاورده ایم. در این اواخر، بخشی از این طیف که با «سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان» مقاطعه نموده، نشر «کمون» را رویدست گرفته است که مشبوع از مقاله‌های تیوریک - اکادمیک است.

۳. طیف مائوتسه دون اندیشه

در این طیف «سازمان انقلابی افغانستان»، «سازمان رهایی افغانستان»، «سازمان آزادیبخش مردم افغانستان» (ساما) و «سازمان مارکسیست - لنینیست افغانستان» قرار دارد.

در این طیف، مواضع سازمان ما روشن و در پرتو مارکسیزم - لنینیزم، اندیشه مائوتسه دون طرح می‌گردد، سانترالیزم دمکراتیک را رعایت می‌کند، از هیچ دونری پول و مساعدت به دست نمی‌آورد، بر حق‌العضویت و اعانه‌های اعضا و هواداران رزمنده حساب می‌کند، علیه انتخابات پوشالی است، مخالف علنی‌گرایی و ساختن حزب قانونی است؛ از شرایط علنی استفاده می‌کند، به ریفورمیزم و اصول فروشی تن نمی‌دهد؛ در حد توان تشکیلاتی کار می‌کند، دست یاری به همه انقلابیون دراز نموده و متقابلاً دست افراد ملی، دموکرات انقلابی و کمونیست را با گرمی می‌فشارد.

«سازمان رهائی افغانستان» کماکان یک سازمان «اکتوبریست» است. صاحب نهادهای استعماری و پوشالی است. برای تأسیس نهاد پوشالی، شرم ارسال لست ده هزار توده مردم به «امنیت ملی» بر پیشانی دارد. سازمانی به شدت راست رو و ضد انقلابی است. هنوز مشغله آن را جابه جا کردن مساعدت‌های اتحادیه اروپا و سایر دونه‌های امپریالیست می‌سازد. توزیع بز به توده ها، آنها را با پول اتحادیه اروپا را «انقلاب» فکر می‌کند. «آقای» این سازمان با وجود آن که لست ده هزار نفری توده ها را به دولت پوشالی سپرده، دیگران را «خادی» می‌خواند.

این سازمان پس از یک خواب طولانی زمستانی گرم در حجره پلورالیزم اشغالگران، نوشته‌های «بسیار کلان» تهیه دیده است که قسمت‌هایی از آن در وب سایت این سازمان نشر شده است. ما گرچه قسمت‌های بعدی این نوشته را هنوز نخوانده‌ایم، ولی با شناختی که از نفر اول این سازمان داریم، باور داریم که تمام کاسه و کوزه را بر صفوف، کادرها و عده‌ای از زیردستان کمیته مرکزی‌اش خواهد شکست و قطعاً به انتقاد ریشه‌ای از اشتباهات، انحرافات و حتی خیانت‌های تسلیم طلبانه ملی - طبقاتی سازمانش نخواهد پرداخت؛ که آرزومندیم باور ما نادرست ثابت شود!

«سازمان آزادیبخش مردم افغانستان» (ساما) که قبلاً پسوند «ادامه دهندگان» را به کار می‌برد و با مواضع انقلابی به فعالیت آغاز کرد، با وجودی که مسئولین این سازمان در صحبت‌های شفاهی، خود را مارکسیست - لنینیست، مائوتسه دون اندیشه می‌خوانند، اما در اسناد رسمی این سازمان که پس از دومین کنگره سازمان ما به نشر رسیده، سراغی از بکاربرد عبارت مارکسیست، لنینیست، اندیشه مائوتسه دون دیده نمی‌شود.

ما منتظر بودیم که رفقای «ساما» به جمع‌بندی از کار و فعالیت «ساما»، قبل از ایجاد «ساما» (ادامه دهندگان) بپردازند تا جنبش چپ انقلابی با آموختن از نکات قوت آن و درس‌گیری از نکات ضعف، اشتباهات و انحرافات این سازمان؛ سمت و سوی مبارزه آینده را بهتر تشخیص دهد، اما متأسفانه تا اکنون چنین سندی به دست نیورده ایم. جمع‌بندی از دستاوردها و ضعف‌ها؛ قاطعیت، رزمندگی، پیگیری تعهد و برندگی یک سازمان انقلابی را نشان می‌دهد. رفقای «ساما» راهی جز جمع‌بندی گذشته خود ندارند. آرزومندیم رفقای «ساما» این امر را جدی تلقی نموده، این کار بزرگ و مهم را آغاز کنند.

سازمان انقلابی افغانستان در میان طیف‌های گوناگون که خود را چپ می‌خوانند، از لحاظ تیوری، اندیشه و سیاست خود را به سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) (ادامه دهندگان) نزدیک می‌داند و این نزدیکی فکری، زمینه‌های خوبی برای کار مشترک در ساحات سوسیالیستی و دموکراتیک ایجاد می‌کند که باید از آن حداظمی استفاده صورت گیرد.

«سازمان مارکسیست - لنینیست افغانستان» را با نشر ارگان تیوریک این سازمان (عقاب) شناختیم. ما از موضع‌گیری این سازمان دفاع کردیم و آن را به موضع‌گیری‌های خود نزدیک دانستیم. با وجودی که در اسم این سازمان از اندیشه مائوتسه دون ذکری نشده است، اما در محتوای «عقاب» درمی‌یابیم که این سازمان در طیف چپ مائوتسه دون اندیشه قرار دارد.

ما «سازمان مارکسیست - لنینیست افغانستان» را با ارگان تیوریک آن می‌شناسیم. تصور ما اینست که این سازمان به جای حضور در داخل کشور، در بیرون فعالیت دارد که عضویت آن در ایکور نشان‌دهنده درستی تصور ماست. از اینرو، چنانچه در «به پیش» شماره چهارم تصریح کرده بودیم که هم نظری‌های ما با این سازمان به این معنا نیست که ما بحث‌های اصولی با رفقای این سازمان نداشته باشیم، ولی فعلاً با در نظر داشت هم نظری‌های بیشتر ترجیح می‌دهیم که این بحث‌ها در محدوده بحث‌های داخلی دو سازمان به پیش برده شوند. آرزومندیم بتوانیم روزی با رفقای «سازمان مارکسیست - لنینیست افغانستان» در داخل دیدار نموده و بحث‌های سازنده داشته باشیم.

بدر نظر داشت وضعیت فوق، سازمان انقلابی افغانستان باور دارد که چپ انقلابی باید جداً تأسیس حزب انقلابی را در جریان پراتیک انقلابی و مبارزه قاطع ایدئولوژیک رویدست گیرد و از هیچ نوع تلاش در زمینه دریغ نوزد. برای ایجاد حزب کمونیست، سه اصل مهم را باید رعایت کرد:

۱. حزب کمونیست با حضور فعال در داخل کشور می‌تواند تأسیس شود. حزبی که جدا از کارگران، دهقانان و سایر توده‌های ستمدیده در خارج از کشور شکل بگیرد، همانجا «حزب» باقی خواهد ماند، نه تنها منجی ستمدیدگان بوده نمی‌تواند، بلکه به کاریکاتور حزب تبدیل شده، مورد تمسخر توده‌های ستمدیده قرار می‌گیرد. این نوع احزاب، جز حرافی و عرضه خیالات و توطئه بازی کار دیگری انجام نخواهند داد. افراد، نیروها و طیف‌هایی که از انقلاب و رهائی توده‌ها سخن می‌زنند و چاره را در ایجاد حزب کمونیست انقلابی می‌دانند، اگر به داخل کشور نیایند، سخن شان جز حرافی معنائی ندارد و مداوای هیچ درد توده‌ها بوده نمی‌تواند. سازمان انقلابی افغانستان با نیروها، افراد و طیف‌هایی که در داخل کشور حضور دارند و در بخش‌های تیوری و پراتیک همسوئی‌هایی داشته باشند، حاضر است روی ایجاد حزب کمونیست انقلابی بحث‌های ابتدائی را آغاز کند و در پراتیک انقلابی و مبارزه ایدئولوژیک آن‌ها را ادامه دهد تا بالاخره در وحدت با سایر نیروهای انقلابی حزب کمونیست را برای پیشبرد جدی‌تر مبارزه انقلابی با هم ایجاد نموده و یکی از سه سلاح انقلاب را عملاً در اختیار پرولتاریا و دهقانان و سایر تهیدستان قرار دهیم.

۲. وحدت در تیوری، اصل دوم در ایجاد حزب کمونیست انقلابی است. در صورتی که وحدت در تیوری به وجود نیاید، وحدت در عمل میسر نیست. ما طرفدار وحدت در تیوری‌های انقلابی (مارکسیزم - لنینیسم، اندیشه مائوتسه دون) هستیم. هر جریانی که پیرو تیوری‌های انقلابی باشد و آنها را پایه پراتیک خود قرار داده باشد، سازمان انقلابی افغانستان حاضر است دست چنین جریانی را برای آغاز بحث‌ها در زمینه ایجاد حزب کمونیست انقلابی به گرمی ب فشارد. ما جداً باور داریم که سکناریزم، گروه‌گرایی و سازمان پروری، خیانت عظیم به انقلاب و توده‌هاست. سازمان ما هر آئینه تشخیص دهد که با جریان، نیروها، گروه‌ها، طیف‌ها و افرادی که در کشور حضور دارند و به وحدت‌تئوریک لازم نیز رسیده‌اند، می‌تواند روزنه بحث‌های ایجاد حزب انقلابی را بکشد، لحظه‌ای برای چنین امر فرخنده‌ای درنگ نخواهد کرد.

۳. وحدت در پراتیک، اصل سوم برای ایجاد حزب کمونیست انقلابی است. این اصل با در نظر داشت وضعیت کشور ما، مهمترین اصل برای ایجاد حزب کمونیست انقلابی به شمار می‌رود. اگر نیروهای در کشور حضور داشته باشند و وحدت‌تئوریک هم داشته باشند، ولی در پراتیک انقلابی معیوب باشند، با چنین نیروها ایجاد حزب کمونیست انقلابی محال به نظر می‌رسد، مگر این که متعهد به پرولتریزه شدن خود باشند.

پراتیک، معیار حقیقت است. در ساحه پراتیک است که می‌توان سره را از ناسره جدا کرد و انقلابی را از غیر انقلابی تشخیص نمود. از اینرو، افراد، طیف‌ها، نیروها، جریان‌ها و گروه‌هایی که صادقانه خواهان ایجاد حزب کمونیست انقلابی‌اند، باید به پراتیک مشخص تن بدهند. میدان این پراتیک نه اروپا است و نه امریکا؛ تنها و تنها کشور مستعمره - نیمه فیودالی افغانستان است. با حضور در کشور، با زندگی در کنار توده‌های ستمدیده و با رنج و درد توده‌ها شریک شدن یگانه محک برای جدیت این نیروها، افراد و گروه‌ها برای تأسیس حزب کمونیست انقلابی است.

بدر نظر داشت توضیحات فوق، چپ افغانستان در جایگاهی نامطلوب قرار دارد. بخشی از چپ افغانستان پیوند لازم و عمیق ارگانیک با توده‌ها ندارد، بخش دیگر به انجوایزم چسبیده و در گودال تسلیم‌طلبی فرو رفته؛ بخشی فرار را بر قرار ترجیح داده در اروپا در صدد ایجاد «حزب» است و اصل کارش را تاختن بر رهبران شهید جنبش انقلابی

می‌سازد و بخشی هم خیالی و تفننی است و با رد میهن دوستی، استقلال و جنگ رهائی بخش ملی و انقلاب دموکراتیک به طور غیر مستقیم در خدمت بورژوازی امپریالیستی قرار گرفته است.

چپ کشور راهی ندارد جز این که با توده های مردم پیوند عمیق برقرار کند، با پسفیزم وداع کند، بر انجمن و نهادهای استعماری تف بریزد و اگر هنوز تعهدی به مردم دارد، از گودال تسلیم طلبی بیرون بیاید، قرار را بر فرار ترجیح دهد، به مبارزه رهبران شهید جنبش احترام بگذارد و از اشتباهات آنان درس گرفته، از رشادت و جانبازی و رهبری آنان بیاموزد، میهن دوست باشد، علیه امپریالیزم پرچم جنگ رهائی بخش را به اهتزاز درآورد، استقلال سیاسی کشور را فراموش نکند و مبارزه طبقاتی را به طاق نسبیان نسپارد. با گام گذاشتن بر این راه است که چپ افغانستان می‌تواند جایگاهش را به حیث پیشاهنگ پرولتاریا و تأمین کننده منافع تمام طبقات ستمدیده کشور تثبیت کند و نقش کلیدی در راه رهائی از یوغ استعمار و استثمار توده ها ایفاء کند.

مرگ بر امپریالیزم

در راه سوسیالیزم، به پیش!

سازمان انقلابی افغانستان

ماه عقرب ۱۳۹۶